

دریافت خواهند کرد.

دست و پنجه نرم کردن با کسری

منتقدان اوایما در اقتصاد به چند نکته اشاره می‌کنند. آنها معتقدند چون هزینه‌های دولت همواره کم بازده‌اند، بخش اعظمی از هزینه‌های محرک آن به هدر می‌روند و از طرفی، پولی که دولت قرض گرفته، باید بازگردانده شود. کسری بودجه سال گذشته آمریکا که ۱۱/۲ درصد محصول ناخالص داخلی تخمین زده شده بود، بالاترین میزان از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون بوده است.

معترضین اوایما معتقدند او می‌خواهد مالیات‌ها را افزایش دهد. نگرانی آنها این است که طرح‌های اوایما آمریکا را به سطوح بالایی از هزینه‌های دولتی برساند. وی اکنون گروهی از کارکنان دولتی را استخدام کرده که حقوق و مزایای بیشتری نسبت به بخش خصوصی دریافت می‌کنند. اوایما گر چه اظهار کرده که به بازار آزاد

اعتقاد دارد، اما هیچ‌گاه بدان سمت حرکت نکرده است. دیری نپایید که اقدام او در افزایش قابل توجه تعرفه تاپر و لاستیک‌های وارداتی از چین نتیجه داد و با این که جنگ تجاری تمام و کمالی به راه نیفتاد، اما شهرت تجارت آمریکا در جهان خدشه‌دار شد و در سال ۲۰۰۹ شکایت کشورهای خارجی به سازمان تجارت جهانی در مورد آمریکا روز به روز افزایش یافت.

دلیل عمده کمتر شدن محبوبیت اوایما در نظرسنجی‌ها این است که مردم آمریکا سال ۲۰۰۹ را در هراس گذرانند. اگر رونق اقتصادی بازگردد، اعتبار اوایما هم باز خواهد گشت. اگر اقتصاد بهبود نیابد، جمهوری‌خواهان قدرت را به دست خواهند گرفت که این اتفاق هم نمی‌تواند برای او یک فاجعه باشد، چرا که بیل کلینتون هم در زمان خود مجبور به کار کردن با کنگره جمهوری خواه شد و توانست بودجه را متعادل کرده و قانون اصلاحات رفاه عمومی را تصویب کند و برای یک دوره دیگر در سال ۱۹۹۶ در کاخ سفید بماند. ■

دانست که زمانی از نمادهای شکوفایی اقتصاد این کشور پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رفت و اکنون به یکی از بزرگترین قربانیان ضعف اقتصادی طولانی مدت این کشور تبدیل شده است. ورشکستگی JAL که با بیش از ۲۵ میلیارد دلار بدهی و وعده تعدیل ۳۰ درصد نیروی کار همراه است، بزرگترین ورشکستگی خارج از بخش مالی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود.

نوبت چین؟

کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که در سال ۲۰۱۰ چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، جایگاه ژاپن را خواهد گرفت. سیر صعودی اقتصاد این کشور موجب شده است این سؤال مطرح شود که آیا چین راه ژاپن را دنبال خواهد کرد و ایجاد حباب در اقتصاد این کشور هم سال‌ها رکود را برای آن به همراه خواهد داشت؟

به ظاهر، اکنون شباهت‌های زیادی میان چین امروز و ژاپن دهه ۸۰ وجود دارد. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که چین هنوز خیلی عقب‌تر از زمانی است که ژاپن در اوج خود قرار داشت و بنابراین برای توسعه بهره‌وری جای کار زیادی دارد. انتقال مازاد نیروی کار از کشاورزی به صنعت و خدمات، کارایی را افزایش می‌دهد و اقتصاد این کشور را بیش از پیش با دنیای توسعه‌یافته همگام می‌کند. بسته محرک چین، زیرساخت‌های مورد نیاز بیشتری را به وجود آورده است که رشد را در آینده تقویت می‌کند و سرانجام، توسعه سرمایه‌گذاری و صادرات در کنار تقویت مصرف داخلی، تولید چین را ثابت‌تر کرده و به آن کمک می‌کند تا از تکرار به وجود آمدن اقتصاد حبابی ژاپن جلوگیری کند.

به گفته مارتین شولتز، اقتصاددان ارشد مرکز تحقیقاتی فوجیتسو در توکیو، بدهی‌های ژاپن روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شوند. شولتز معتقد است که احتمالاً چین می‌تواند یکی از بهترین شاگردان درس عملکرد ژاپن و اشتباهات آن طی دهه‌های گذشته باشد. اما با تمام این احوال، ژاپنی‌ها هنوز از مرفه‌ترین مردم جهان به حساب می‌آیند. درست است که اقتصاد چین از حیث حجم و مقدار، از بسیاری دیگر از کشورها پیش افتاده، اما ثروت آن بین جمعیتی تقسیم می‌شود که ۱۰ برابر جمعیت ژاپن است. ■

اقتصاد ژاپن

آینه عبرت چین

در سال میلادی جدید، چین جایگاه ژاپن را در رده‌بندی بزرگترین اقتصادهای جهان خواهد گرفت. اما آیا چین هم به در دسر ژاپن گرفتار خواهد شد؟

تبع آن، تولید کارخانه‌ها تا حدودی افزایش یافت، اما هنوز اقتصاد این کشور نتوانسته از کاهش همزمان قیمت‌ها و دستمزدها که طی این ماه وضعیت بدتری پیدا کرده‌اند - و خود به عنوان تهدیدی برای اقتصاد ژاپن به شمار می‌روند - رهایی یابد. با این که بعید به نظر می‌رسد اقتصاد ژاپن بار دیگر در رکود فرو رود، اما خطر بروز رکود تورمی، آینده این کشور را تهدید می‌کند. قیمت‌ها و دستمزدها همچنان در ماه دسامبر روند نزولی داشتند، به گونه‌ای که شاخص قیمت مصرف‌کننده نسبت به سال گذشته آن ۱/۳ درصد سقوط داشت و در حال حاضر دهمین ماه متوالی است که این شاخص در ژاپن روند نزولی دارد. این کاهش قیمت‌ها و رفتار محتاطانه شرکت‌ها موجب شده است که درآمد ماهانه خانوار در ژاپن در ماه دسامبر نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴/۸ درصد کاهش یابد. اگر این روند ادامه یابد، مصرف‌کننده‌ها نیز کمتر خرج می‌کنند که این مسئله، اقتصاد ژاپن را تهدید می‌کند. در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که کارشناسان، تنها راه نجات ژاپن را تقویت صادرات و اعمال سیاستی از سوی دولت برای اعطای کمک‌های نقدی به خانواده‌ها دانسته‌اند.

یکی از نشانه‌های ضعف اقتصاد ژاپن را می‌توان در ورشکستگی شرکت هواپیمایی دولتی این کشور (JAL)

در سال‌های دهه ۸۰ این ژاپن بود که سعی می‌کرد آهسته آهسته آمریکا را پشت سر بگذارد؛ درست همان کاری که چین امروز می‌کند. در آن زمان اقتصاد این کشور با سرعت سرسام‌آوری در حال رشد بود. بانک‌ها وام‌های بدون بهره اعطا می‌کردند و قیمت املاک افزایش سرسام‌آوری داشت، به طوری که در آخرین روزهای آن دهه، میانگین سهام نیکی در بالاترین میزان یعنی رقم ۳۸ هزار و ۹۱۶ واحد بسته شد.

بدهی‌های عظیم

حبابی که در اقتصاد ژاپن ایجاد شده بود، به حدی بزرگ بود که ترکیدن آن موجب شد دهه ۹۰، "دهه از دست رفته" در ژاپن نامیده شود. اکنون پس از ۲۰ سال از آن زمان، بازار سهام ژاپن نزدیک به سه فصل است که سیر نزولی دارد. افراد و شرکت‌ها به واسطه وام‌هایی که با استفاده از آنها خریدهایی کرده بودند - که فاقد ارزش واقعی بود - زیر بار قرض‌های سنگین رفتند. در همین زمان، دولت ژاپن با واریز مبالغ زیادی به بخش زیرساخت‌ها وارد کار شد تا اقتصاد را سر پا نگه دارد و این امر بدهی‌های ملی گسترده‌ای به وجود آورد. در این بین با وجودی که اقتصاد ژاپن در ماه دسامبر تکان کوچکی خورده و نرخ بیکاری، کمی کاهش یافته و به

